

نظم تصنعی و فیلم های نیامده به برج میلاد

ندیده ها و نداشته ها

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : بهمن ماه ۱۳۹۱

عنوان ستون ثابت نگارنده در روزنامه "اعتماد" در ایام جشنواره سی و یکم فجر، "ندیده ها و

نداشته ها" بود.

*

*

واقعیت این است که کوشش عینی و فیزیکی روابط عمومی جشنواره و همه کارکنان تشریفات و باقی بخش ها در برج میلاد که مرکز اصلی برپایی جشنواره و برنامه های محوری آن و نمایش رسمی فیلم ها و نشست های پرسش و پاسخ فیلمسازان و عوامل فیلم هاست، به روشنی روشن است و نمی توان گفت کسانی کم کاری کرده اند. اما مشکل اینجاست که ارزیابی میزان موفقیت در روند «برگزاری» جشنواره تنها به همین فعالیت های عینی محدود نمی شود که هیچ؛ بیش و پیش از اینها به «تفکر» مبنایی و آن چه بنیان تمام این فعالیت های اجرایی را طرح ریزی و سیاستگذاری کرده، باز می گردد .

بنای امسال جشنواره بر این بوده که اولاً سالن برج میلاد را به جای «سینمای رسانه ها و منتقدان و روزنامه نگاران سینمایی» به عنوان «کاخ جشنواره» معرفی کند و تمامی متقاضیان کارت این سالن را در مجموعه حضار آن جای دهد. غافل از این که با این کار، اولاً تصاویر شرم آوری شکل می گیرد از نشست روی پله ها و سرپا ایستادن برخی سینماگران و نویسندگانی که پیش کسوت و نام آشنایند و دیدن وضعیت آنها حین تماشای فیلم، چنان آدمی را به خجالت می افکند که دیگر حواسی جمع و تمرکزی ناچیز هم برای فیلم دیدن باقی نمی ماند. و ثانیاً تمام آن رسمیت و اهمیتی که واکنش های حضار سالن مرکزی هر جشنواره نسبت به نمایش هر فیلم دارد، در این نوع دعوت و مهمان پذیری به کلی از میان می رود. این جا و امسال دیگر نمی توان دست زدن همراه با سوت و کف تماشاگران سالن **Press** را که هر جای دنیا ملاک تمسخر و هجو سطح نازل فیلم در حال اکران است، جدی گرفت. چون این گونه نیست که شماری

سینماگر و نویسنده و خبرنگار حرفه ای و آشنا به کار و سینما، در حال عکس العمل نشان دادن به دیالوگی شعاری، تصویری دروغین یا تمهید دراماتیک یا تکنیکی سخیفی باشند. درست برعکس، در این سالن کسانی هم حاضرند که با بازیگران درجه دوی سینما و تلویزیون در سالن انتظار عکس می گیرند! و در حین تماشای تیتراژ فیلم ها ممکن است با دیدن هر نام مشهور و نیمه مشهوری، بیهوده کف و سوت بزنند. در نتیجه، هر برداشتی که هر فیلمساز و بازیگر و دست اندرکار هر فیلم از این واکنش های نسنجیده و آنی و حسی و عام حضار سالن برج میلاد دارد و تصور می کند که مطبوعات یا جامعه منتقدان این یا آن برخورد را با فیلمش داشته اند، بعدتر در نوشته ها و نقدهای جدی ممکن است به کلی غایب باشد و در نتیجه، شأن نزول برنامه نمایش فیلم ها در این سالن و ارزیابی هایی که سینماگران از نوع مواجهه منتقدان دارند و برایشان به طور طبیعی بسیار مهم - گاه مهم تر از داوری جشنواره- است، به کلی ناکار می شود و چیزی از اعتبار آن باقی نمی ماند.

راضی نگه داشتن همگان با صدور کارت های بی حساب و کتاب، در این خط مشی نادرست امسال دقیقاً مانند حفظ تصنعی نظم جدول برنامه های نمایش فیلم در این سالن است. نظمی که با دست نخوردن فیلم های وعده داده شده در جدول سر هر روز و هر سئانس همراه است؛ اما به قیمت دریغ شدن فیلم های بسیار مهم از منتقدان پیگیر و دلواپس این سینما تمام می شود. فیلم هایی که گاه مانند «پرویز» ساخته عمیق و تکان دهنده مجید برزگر، حتی در بخش های رسمی جشنواره هم حضور دارند و مشکلی برای نمایش عمومی ندارند و در صورت اکران برای منتقدان، می توانستند از پر و پیمان ترین محصولات سال این سینمای نحیف تلقی شوند. این نوع حفظ نظم، البته که کار می برد و زحمت دارد؛ اما طراحی اش از پایه و اساس، غلط و دور از هنرشناسی و ارزش قائل شدن برای ضرورت ها و خلاقیت هاست.

توضیح: این یادداشت، آخرین نوبت این ستون ثابت جشنواره نخواهد بود و یادداشت آخر با بررسی اجمالی برگزیدگان جشنواره، به مهم ترین «ندیده ها و نداشتهها»ی جشنواره در فهرست برندگان خواهد پرداخت.